

# بر مدار صفر درجه

کارگاه تقدیرنامه

همه کوشش:  
محمدرضا عرب نیازی  
محمدمهدی قشقلی  
محمدمحسن فرج‌نژاد

من گمان می‌کنم این سیاستمداران نیستند که قرار است دنیا را نجات دهند، اگر قرار بود نجات دهند زندگی به اندازه کالی این فرصت را در اختیارشان گذاشته است؛ در حقیقت این اهالی فرهنگ و هنر هستند که می‌توانند جهان را از وضعیت برزخی فعلی نجات دهند.  
حسن فتحی

## فرآمد

چندی است سیما، همسو با مسائل مهم روز و تاریخ این سرزمین، گام در راهی مفید در صنعت فیلم‌سازی نهاده است. این راه آرزوی تمامی فرهنگدوستان و فرهیختگان است که هنرمندان ما بوجی شعار هنر برای هنر و سرگرمی بودن سینما را بفهمند و هنر را نه در خدمت به ایدئولوژی‌ها و مکاتب مادی، که در خدمت دین خدا و روشنایی حقیقت، به کار گیرند. اگر این اتفاق با قوت بیشتری در ایران ادامه یابد به یقین، چونان انقلاب اسلامی، خطشکن خواهد شد و هنرمندان آزاده مسلمان و مستقل دنیا را به تکاپوی بیشتری خواهد انداخت. تا جهان را از لوث وجود اساطیر و الگوهای مادی و صهیونیستی هالیوود برهاند.

اگر فیلمسازان ما بتوانند با ارائه تصویری نزدیک به حقیقت، دروغ‌های رسانه‌های غرب را رسوا سازند و در فرهنگ‌سازی، مقلد قالب‌ها و محتوای غربی نباشند، می‌توان گفت که به رسالت هنرمند آزاداندیش و میدعی نزدیک‌تر شده‌اند. متأسفانه سوزها و روایت‌های تکراری و گیشه‌ای، به ویژه در زمینه عشق و بیان بدون راه حل مشکلات جامعه و روشنفکر‌نمایی و آزادی‌خواهی سطحی و بی‌هویت، سال‌هاست که دغدغه بسیاری از سینماگران مدعی گردیده است. باید از صدا و سیما تشکر کرد که در همین سال‌ها، به سمت تهیه و تولید آثار فاخری چون *مریم مقدس*، *مردان آنجلس* و... رفته است. راه درست همین است که تنها به نیازهای غریزی و پست مخاطبان ننگریم و نیاز آنان به دانستن تاریخ، اندیشه‌ها و اختراعات واقعی را نیز مد نظر قرار دهیم و او را با هنرمان، به سمتی

کارگاه تقدیرنامه  
۸۸-۸۹

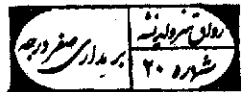
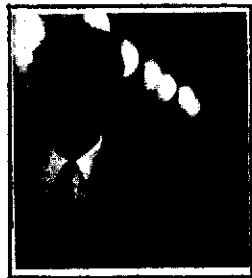
بر مدار صفر درجه

شایسته رهنمون شویم.

از دهه دوم قرن بیستم که هالیوود به دست شرکت‌های غالباً یهودی - صهیونیستی، در غرب آمریکا شکل گرفته سینمای غرب و به ویژه جریان غالب صهیونیستی، در زمینه حفظ حافظه تاریخی منسجم یهودیان، تئوریزه کردن پروپاگاندای سیاسی مورد نظر خویش، ترغیب غربیان به فرهنگ آمریکایی و ساختن سرمایه‌های اجتماعی در راستای اهداف کلان برنامه‌ریزان اصلی تمدن آنگلو ساکسون، به خوبی عمل کرده است. آثار شاخص و پرفروشی چون ده فرمان، داستان کتاب آفرینش، بن هور، سامسون و دلیده، پرنس مصر، سلیمان و ملکه سبا، فهرست سیندلر، بیانیست، ماتریکس، هری پاتر، ارباب حلقه‌ها، ۳۰۰، اسکندر و هزاران فیلم دیگر که در این هشت دهه ساخته شدند، به خوبی، به روایت الگوها، بن‌مایه‌ها، اساطیر و افسانه‌های یونانی - رومی، مسیحی - یهودی، صهیونیستی و آنگلو ساکسونی پرداخته‌اند و در ذهن مخاطب، حک ساخته‌اند. اگر دست‌اندرکاران دولتی و بخش خصوصی ما، چنین نگاهی به توان فرهنگ‌سازی سینما داشتند و سرمایه بیشتری در اختیار کارگردانان و تهیه‌کنندگان متعهد سینما قرار می‌دادند، یا اگر سینمای ما، با همین بودجه اندک، از تولید آثار بی‌محتوا و گیشه‌ای دست می‌کشید و توان خود را بر تولید آثار کمتری متمرکز می‌کرد که خوش‌ساخت، مخاطب‌پسند، بامحتوا و جهانی باشند و در مسائل تاریخی و سیاسی، حرفی برای گفتن داشته باشند و در کنار آن، شبکه توزیع و بازاریابی قوی‌تری در دنیا داشتیم، ما نیز می‌توانستیم حتی توانمندتر از هالیوود، تاثیرگذار باشیم؛ زیرا حقانیت و ظلم‌ستیزی اندیشه اسلامی، خود بهترین بهانه برای جذب مخاطب به سینما خواهد بود. در زمره تولیدات تاریخی جدیدی که صدا و سیما، با رویکرد مسائل روز جهان ساخته است، می‌توان به سریال ملار صفر درجه اشاره کرد.

تعمین شده

۱. موضوع هولوکاست، جنگ جهانی دوم و ارتباط صهیونیست‌ها با سران آلمان نازی، حساسیت داستان را بالا برد؛ زیرا یهودی‌کشی در جنگ جهانی دوم، محل مناقشه جدی سران قدرتمند صهیونیسم بین‌الملل و اندیشمندان تجدیدنظرطلب تاریخی است. بیشتر توجه رسانه‌هایی چون CNN، BBC، کرستین ساینس مانیاتور، وال استریت ژورنال، خبرگزاری فرانسه، روزنامه هارتس و



دیگر رسانه‌های مهم خارجی به این فیلم و برخی درخواست‌هایی که برای خرید و پخش این فیلم شد، همه به حضور پررنگ این ماجراهای تاریخی - سیاسی، در این سریال برمی‌گردد. همین نکته می‌تواند موضع نظرداران ساخت فیلم‌هایی با موضوعات بین‌المللی و مهم تاریخی را پررنگ‌تر می‌سازد و درسی برای سینماگران ماست که اگر به سمت چنین آثاری بروند و حقیقت را آن گونه که هست، نه آن گونه که تاریخ‌نویسان پیروز جنگ جهانی دوم روایت کرده‌اند، بازگو کنند، می‌توانند به سمت جهانی شدن سینمای ایران گام بردارند. البته روشن است که دیگر چنین فیلم‌هایی، هرگز در جشنواره‌های سیاسی - سینمایی، مانند اسکار و کن، برنده نخواهند شد. در نتیجه لازم است در کنار ساخت چنین آثاری، به فکر ایجاد نظام توزیع و بازاریابی قوی‌تر اسلامی - ایرانی، برای فیلم‌هایی از این دست، در میان کشورهای جنوب باشیم.

باید مطمئن باشیم که هالیوود در پرداختن به سکس، خشونت و خیال‌پردازی، از ما جلوتر است و حتی اگر کلاماً هم‌سو با آن‌ها حرکت کنیم هیچ‌گاه ما را در بازی راه نخواهند؛ ولی اگر از کشتار صد میلیون آفریقاییان، در ماجرای برده‌کشی غریبان به آمریکا، کشتار شصت میلیون سرخپوستان هنگام غصب قاره آمریکا، کشتار یک میلیون سیاهان روندا در سال ۱۹۹۴، در پیش چشم ناظرین بین‌المللی، با سلاح‌های فرانسوی و آمریکایی و از کشتارهای صهیونیست‌ها در فلسطین و عراق فیلم‌هایی قوی تولید کنیم، به یقین مخاطبان بسیاری در کشورهای جنوب و مسلمان و حتی غربی خواهیم یافت.

۲. رو کردن اسنادی متفن از پیوند سرلن نیرنگ‌باز صهیونیسم و آلمان نازی و نشان دادن خیانت صهیونیست‌ها تا آن‌جا که حتی به هم‌کیشان آزاداندیش و فقیر خویش نیز رحم نمی‌کنند، از برجسته‌ترین نکات مثبت این اثر قابل تقدیر بود. کمتر هنرمندی حاضر می‌شود چنین کاری انجام دهد و خود را در معرض اتهامات صهیونیست‌ها قرار دهد؛ ولی ای‌کاش بحث هولوکاست با ابهام کمتری مطرح می‌گردید.

۳. مدار صفر درجه به لحاظ طرح و داستان، بسیار جذاب و پرداخت آن از قوت بسیار برخوردار بود و شخصیت‌ها مفهوم را به خوبی، برای مخاطب ترسیم می‌کردند. تنوع شخصیت‌ها و بازی خوب برخی



بازیگران، از جمله سید شهاب حسینی - بازیگر نقش حبیب پارسا - و پیر داغر لبنانی - بازیگر نقش سرگرد فتاحی - جذابیت اثر را دوچندان کرده بود.

۴. فضا سازی خوب دوران جنگ جهانی دوم در ایران و مجارستان و تصویر سال‌های پیش از ۱۳۲۰ هجری شمسی در پاریس، از نقاط قابل تقدیر سریال به شمار می‌آید.

۵. موسیقی این سریال، متناسب بود و آهنگ‌ساز محترم نیز بسیاری از مفاهیم دشوار، مانند داغ عزیز و عشق را با موسیقی به‌جا، در ذهن مخاطب حک کرده بود. حتی سایت BBC به قوت موسیقی فیلم، در اندازه آثار خوب هالیوود، اشاره کرده بود.

### پرسش پراکنج

۱. برخی دیالوگ‌های سریال، غیرواقعی، باورناپذیر و به دور از انتظار شنیداری مخاطب، نوشته شده بودند. درست است که دیالوگ‌نویس که همان کارگردان است، کوشیده با این دیالوگ‌ها، فضای قدیمی سریال را نشان دهد؛ ولی به کارگیری جملات غیر گفتاری و نمانوس، او را در رسیدن به آن هدف پاری نرساند. مخاطب در برخورد با شخصیت‌های داستان، به راحتی درمی‌یافت که فرد دیگری برای آن‌ها دیالوگ نوشته است و این نکته مثبتی برای فیلم نبود. شاید یکی از دلایل اقبال کمتر عوام به این سریال در جامعه ایران، همین نکته باشد.

۲. با توجه به این‌که مضمون اصلی فیلم بر محور عشق است، تحلیل نوع نگرش کارگردان به بحث عشق، بسیار مهم است. عشق مورد نظر کارگردان چه ویژگی‌هایی دارد؟ شعر تیتراژ پایانی فیلم از همان قسمت اول، مضمون مسلط فیلم را که همان عشق تقریباً زمینی است، آشکار می‌سازد. عوامل فیلم می‌توانستند شعر دیگری را برگزینند. حتی رویارویی با صهبونیسیم و اشاره به خیانت صهبونیسیم‌ها در تاریخ معاصر جهان و ایران، می‌توانست با پرداخت بهتری، در فیلم گنجانده شود. توجه به شعر تیتراژ پایانی فیلم، نوع عشق مطرح در فیلم را بر ما آشکار می‌سازد. به جهت اهمیت این مطلب، متن کامل شعر تیتراژ پایانی را در این‌جا، می‌آوریم:

وقتی گریبان عدم... با دست خلقت می‌درید / وقتی لب چشم تو را... پیش از ازل می‌آفرید /  
وقتی زمین ناز تو را... در آسمان‌ها می‌کنشید / وقتی عطش طعم تو را... با اشک‌هایم  
می‌چشید / من عاشق چشمت شدم... نه عقل بود و نه دلی / چیزی نمی‌دانم از این...  
دیوانگی و عاقلی /

یک آن چنین عاشق شدم... دنیا همان یک لحظه بود / آن دم که چشمانت مرا... از لوح  
چشمانم ربود / وقتی که من عاشق شدم... شیطان به نام سجده کرد / آدم زمینی تر شد  
و... عالم به آدم سجده کرد / من بودم و چشمان تو... نه آتشی و نه گلی / چیزی نمی‌دانم  
از این... دیوانگی و عاقلی /

در این سریال، عشق حبیب به سارا، آن گونه نیست که حبیب به دلیل عشق به خدا، بتواند از آن بگذرد؛ زیرا ازدواج مرد مسلمان با زن غیرمسلمان، در فقه اسلامی، پذیرفته نیست. عشق دوطرفه

سرگرد فتاحی و زینت الملوک، حتی پس از ازدواج زینت الملوک با سفیر ایران در فرانسه - همایون پناه - در کنار لباس‌ها و گرمی غلیظ زنانه زینت الملوک و نمایش کلوزآپ‌های فرلوان از چهره این زن جوان، نمایانگر بی‌توجهی نویسنده/ کارگردان فیلم به قوانین شرعی و توجه او به عشقی فراتر از عقل و دین است.

حسن فتاحی دربارهٔ ممیزی سکانس‌های مربوط به زینت الملوک جهان‌بینی می‌گوید:  
بخش‌هایی که در آن روابط عاشقانه مطرح بود سانسور شدند. جاهایی که زینت الملوک با شوهرش مسئله داشت. من به این ممیزی اعتراض مکتوب کردم. در مقطعی بخش‌هایی از دیالوگ‌ها سانسور شدند که من و تهیه‌کننده در برابر آن ایستادیم.  
(از گفت‌گویی وی با ویژه نامهٔ آخر هفتهٔ روزنامهٔ اعتماد در تاریخ ۱۶/۹/۶۹)  
وب‌سایت کریستین ساینس مانیاتور، به نقل از حسن فتاحی، نویسنده و کارگردان فیلم، همین مطلب را آورده است:

...خداوند انسان‌ها را آفریده است تا به یکدیگر عشق بورزند، صرف نظر از هر مذهب و دینی... شب ساختن آخرین قسمت سریال، برای من شب دشواری بود؛ ولی بسیار خرسندم که حبیب و سارا به هم رسیدند. روزهایی که مردم با فرهنگ‌های گوناگون، با یکدیگر پیمان برادری می‌بندند و یکدیگر را در آغوش می‌کشند، بی‌شک، خداوند نیز بسیار راضی و خشنود خواهد بود!<sup>۲</sup>



۲. در سکانس پایانی فیلم که حبیب از زندان آزاد می‌شود، در حالی که پا به سن گذاشته و عصایی در دست دارد، به یاد مادرش می‌افتد. سپس، در فضایی باز، پس از رد شدن قطار، سارا را چتر به دست می‌بیند. هر دو، چتر و عصا را رها می‌کنند و به سوی هم می‌دوند تا یکدیگر را در آغوش بگیرند! کارگردان با زیرکی، نما را از آن دو برمی‌دارد و دوربین را به سمت آسمان تیلیت می‌کند و مخاطب را این‌گونه با جهان داستان تنها می‌گذارد که حبیب پس از سال‌ها دوری، در آغوش مشوق آرام گیرد؛

حال آن که دین او اسلام است و دین ساراه یهودیت و آن‌ها از دیدگاه مراجع فعلی، نمی‌توانند به ازدواج دائم هم درآیند. گذشته از آن، این دو عقد موقت نیز باهم نبسته‌اند و سارا هم مسلمان نشده است. بسیار زشت است که در فیلمی از سیمای جمهوری اسلامی، زن و مردی میانسال یا حتی پیر، بدون هیچ رابطهٔ محرمیت، یکدیگر را در آغوش بگیرند! برای کسی که با الفبای فیلم‌سازی آشنا باشد، این توجیه پذیرفتنی نیست که:

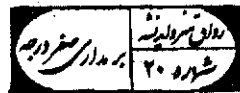
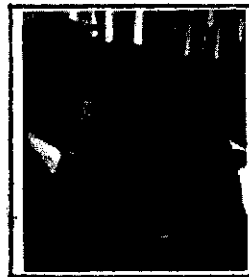
*در این فیلم، صحنه در آغوش گرفتن نشان داده نشده است!*

زیرا میان طرح توطئه و داستان فرق است و گرچه در طرح کارگردان، چیزی نشان داده نشده ولی مخاطب در ذهن خود، بهتر از عینیت فیلم، ادامه ماجرا را تصور می‌کند که *الکتابیه البلیغ من التصریح* کریم نامناسب و برجسته کردن زنندهٔ زیبایی زنانه، در شخصیت زینت‌الملوک - *لما زنگنه* - و سمیده *گاتنه تقیه‌نصیری* - که آن را به آرایش زنانه نزدیک می‌کرد و کلوزآپ‌های زیاد از چهرهٔ دختران جوان در فیلم، در شأن چنین اثری نبود. درست است که فیلم، ضدصهیونیستی بود؛ ولی فرهنگ اسلامی نباید فدای رساندن پیام فیلم، به هر قیمتی شود. این که در لوای یک حق، حقیقتی دیگر ذبح شود، شیوه‌ای ناپسند است.

۴. اساساً نگاه این سریال، اسلامی نبود و حبیب و دوستانش، به دلیل انسان‌دوستی صرف که یک غیرمسلمان هم دارد و نه انسان‌دوستی و ظلم‌ستیزی برخاسته از دین که بسیار عمیق‌تر و فراتر از نوع‌دوستی صرف است، به نجات یهودیان می‌پرداختند؛ در حالی که می‌شد از فیلم بهرهٔ زیادی در حقانیت اسلام و احترام آن به ادیان ابراهیمی، پیامبران پیشین و نگاه مسالمت‌آمیز و صلح‌جویانهٔ اسلام به حضور غیرمسلمانان در سرزمین‌های اسلامی، کرد.

در این سریال، تأکید زیادی بر ملی‌گرایی ایرانی، منهای محتوای اسلامی بود؛ در صورتی که اگر ایرانیته، منهای اسلامیت مطرح شود، به یقین، ناقص است. البته لازمهٔ منطقی نوع نگاه فیلم به مبحث عشق فرادینی، همین بی‌توجهی به اسلام و حقانیت منش آن است. ناسیونالیسم، با تأکید بر خاک، پرچم، سرود ملی و بر پایهٔ تعریف امامیستی از بشر و اصالت ملیت و پیروی از تعریف مدرن قدرت و سکولاریسم، محصول بی‌هویتی فرهنگ امامیستی غرب است<sup>۲</sup> و آرزوهای گرای و پان‌ایرانیسم نیز از مکاتبی بود که انگلستان، پس از جنگ جهانی اول، برای تفرق مسلمانان در منطقه و جهان،

۲. مانی نظری غرب‌مدون، *شهریار زرکشاس* اثر کتاب صبح تهران، زمستان ۱۳۸۱. چاپ اول، ص ۱۵۴ و همچنین فرهنگ وگوما (آرکادی بر مکاب و اندیشه‌های سامرا) مجموعهٔ نویسندگان، مؤسسهٔ اندیشه و فرهنگ دینی، قم، ۱۳۸۱. چاپ دوم، ص ۵۴۶ - ۵۴۸.



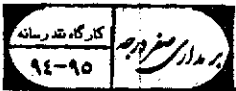
رواج داد؟ هم‌چنین می‌دانیم فراماسون‌هایی چون میرزا ملکم خان و فروغی از مروجان این مکتب در دوران طاغوت بودند. ای‌کاش در این سریال، غنای اسلامی فرهنگ ایرانی نیز مورد توجه ویژه قرار می‌گرفت و دربارهٔ عظوفت اسلامی، همزیستی مسالمت‌آمیز ادیان در جامعهٔ مسلمانان، خردگرایی و پرهیز از جنگ‌های دنیاطلیانه در اسلام نیز سخنانی قرار داده می‌شد.

۵. در اواخر قسمت بیست و چهارم، هنگامی که با گواهی صدفری - سراپندار - در دادگاه انگشت اتهام به سوی سرگرد فتاحی نشانه می‌رود و پرده از علاقهٔ قاتل - زینت الملوک - نسبت به او برمی‌دارد و به فتاحی اتهام می‌زنند که زینت‌الملوک برای رسیدن به عشقش، همسر سابق خود را کشته است. زینت‌الملوک برای نجات فتاحی از اتهام وارده، دست به خودکشی می‌زند. با توجه به نام زینت‌الملوک به سرگرد فتاحی و حس هم‌ذات‌پنداری ناشی از موسیقی و فیلم‌برداری عالی این گونه سخنانها و واکنش شخصیت‌ها نسبت به او، این اقدام به صورتی مدح شده جلوه‌گر می‌شود. یکی از راه‌های افشای شخصیت در داستان فیلم، در کنار کنش و عدم کنش و دیالوگ‌ها، واکنش مخاطبان به عمل شخصیت است. در این قسمت، مخاطب با خودکشی زینت‌الملوک به دلیل عشق چندین ساله‌اش، برخوردی مثبت دارد. این اشکال نیز برمی‌گردد به این نگرش ناقص به عشق فرادینی که به خاطر عشق، همه چیز، حتی خودکشی مجاز می‌شود.

۶. با توجه به ارجاعاتی که در بالا گذشت، عشقی که کارگردان به تصویر می‌کشد، فراتر از شریعت و ایمان است. به همین دلیل است که در جای جای فیلم، هنگامی که میان این دو موضوع، تناقض پیش می‌آید کفهٔ عشق به طرف مقابل، اعم از شریعت و عقل می‌چرید. هم‌چنین طبق تعریف شخصیتی که فیلم، از حبیب و خانواده‌اش نشان می‌دهد مخاطب، تصویر خانواده‌ای دیندار و مذهبی را می‌بیند؛ ولی هنگامی که همین شخصیت‌ها وارد محیط عشق می‌شوند، دیگر آن تقید به احکام و شریعت را به دست فراموشی می‌سپارند. به طور کلی، تأثیرگذاری عشق در فیلم، بسیار پررنگ‌تر از دین و مذهب است و به همین دلیل، در سراسر فیلم، عشق لولویت دارد و این لولویت تا جایی پیش می‌رود که تقریباً دین به حاشیه رانده می‌شود.

در این سریال، متأسفانه نشان زیادی از گزاره‌های اسلامی، حتی به اندازه گزاره‌های یهودیت نیست.

۲. بنیان‌های تاریخی جنبهٔ سیاسی یهود صیقله  
شهبازی نشر باشگاه فیلم، تهران، زمستان ۱۳۸۶  
ویراست اول در آیین منبع، اسامییر محطف  
مجله‌پستی - یهودی مورد بحث قرار گرفته است.



صحنه‌های زیادی که مادر سارا، در حال قرائت تورات، به آرامش می‌رسد و در پیشگاه یهوه، خدای یهود، به عبادت می‌پردازد، مخاطب را به حقانیت یهودیت فملی رهنمون می‌کند؛ در حالی که می‌دانیم ریشه بسیاری از مادی‌گرایی‌ها و نژادپرستی‌های صهیونیست‌ها در همین کتاب محرف است. بهتر بود که بر حقانیت اسلام و تعبد خانواده مذهبی حبیب، نه به صورت لوٹ‌شده و ظاهری، که عمیق و اثرگذار، پرداخته شود. در این اثر، رذیله‌هایی از عرفان‌های سکولار و ادیان جدید که از محورهای آن، عشق زمینی و نوع‌دوستی منهای وحی و زندگی مسالمت‌آمیز، بدون توجه به حقانیت اسلام است، مشاهده کرد. فرقه‌هایی که با این شعارهای فریبنده، در حال ترویج یهودیت در جهان هستند، در واقع، مروج بی‌خدایی، دوری از وحی و ایمان دینی، بی‌بندوباری و آیین‌های منحرفی چون بودیسم و هندویسم هستند.<sup>۵</sup> البته نمی‌توان مدعی شد که کارگردان به عمد یا به سهو از این معارف بی‌بنیان در اثرش بهره برده است ولی می‌توان آثار آن دیدگاه‌ها را در سریال دید.

۷. این که سریال، برخی یهودیان آزاداندیش را با سیاست‌های صهیونیسم مخالف نشان داد و با سندهایی، نشان داد که صهیونیست‌های رذل، در راه رسیدن به منافع خود، حتی به یهودیان فقیر رحم نمی‌کنند، نکته مثبتی بود؛ ولی فیلم به نحو چشمگیری، در رتای مظلومیت یهودیان نوحه‌سرایی کرده است. هیچ‌کس منکر رنج یهودیان در جنگ جهانی دوم نیست؛ چنان که نباید و نمی‌توان رنج مسیحیان و مسلمانان را نیز در این جنگ خانمان‌سوز، منکر شد. اگر در کنار توجه زیاد به آوارگی و رنج و آفر یهودیان، به چند شخصیت مسیحی نیز به همین اندازه، پرداخته می‌شد و مصایب ناشی از جنگ و آوارگی و کشتار چند برابر مسیحیان در این جنگ، همسان و حتی بالاتر از یهودیان، نشان داده می‌شد، چنین اعتراضی وارد نبود؛ ولی با انتخاب سارا و مادر فرتوت و رنج کشیده‌اش، با آن چهره معصوم و بی‌نوا که دل هر مخاطبی را به همذات‌پنداری با آنان وا می‌داشت، کفه ترازو به نفع مظلومیت افراطی یهودیان آواره از جنگ، سنگینی کرد؛ امری که در بسیاری از آثار صددرصد صهیونیستی هالیوود، در رتای مظلومیت یهودیان، بدون توجه به مظلومیت مسیحیان و مسلمانان دیده می‌شود. برای نمونه در بدو ورود آلمانی‌ها به فرانسه، ساکنس‌ها و نماها به گونه‌ای باهم ترکیب شده‌اند که مخاطب، به جای دل‌سوزی برای مردم فرانسه که بیشتر مسیحی هستند، برای غربت و

۵. درباره عرفان‌های سکولار، ادیان جدید و عشق فردایی و بی‌خدا، نک: فصلنامه کتاب نقد شماره ۳۵، ویژه‌نامه عرفان‌های منهای شریعت، تابستان ۱۳۸۲ و همچنین: کتاب و سایهها (نگرشی بر جریان‌های نوپدید سنوایت‌گرایی) محسن‌قلی حسینی، نشر نسیم - اهلی، تهران تابستان ۱۳۸۶، چاپ اول.



بی‌کسی یهودیان دل می‌سوزاند و با دردهای سارای یهودی، همذات پنداری شدیدی دارد. در سکانسی که افسر عالی‌رتبه گشتاپو به دانشگاه رفته، ترس و وحشت عجیبی در چهره سارای یهودی دیده می‌شد؛ گویی آلمانی‌ها با دیگر مردمان فرانسه کاری نداشته‌اند! در جنگ جهانی دوم، آسیبی که به بیست میلیون مسیحی روسی و حدود سی میلیون مسیحی در دیگر کشورهای اروپایی رسید، بسیار زیادتر از یهودیان بود و مناسب بود در این فیلم که مدعی بی‌طرفی است، اشارات بیشتری به این کشتار گسترده و باورنکردنی مسیحیان شود و از بزرگنمایی و افراط در نمایش رنج یهودیان پرهیز شود.

از سوی دیگر، بهتر بود برخی استنادات صهیونیست‌ها به متون یهودی، چون سفر یوشع بن‌نون و دیگر اسفار عهد عتیق نیز مورد توجه قرار گیرد و انحراف در متون مقدس یهود نیز دست‌کم به کنایه، مورد توجه قرار گیرد تا این توهم پیش نیاید که یهودیان همگی خوبند و یهودیت امروز حق است و تنها برخی از یهودیان که صهیونیست هستند، ناحقند. آیا به واقع، چند درصد یهودیان امروز، غیرصهیونیست یا ضدصهیونیست هستند؟ امروزه، اکثریت قریب به اتفاق یهودیان، به آرمان‌های صهیونیستی معتقدند؛ زیرا قدرت رسانه‌ای و انتشاراتی گسترده صهیونیست‌ها و مسیحیان اوانجلیس و صهیونیست‌ها رفق چندانی برای یهودیان مخالف صهیونیست نگذاشته است. و آیا هم‌اینان به آرمان‌های نژادپرستانه تورات، پای‌بند نیستند؟ آیا آیات قرآن کریم درباره هوابرستی و حرص و آز شدید یهودیان نسبت به دنیا - سوره بقره، آیه ۹۶<sup>۶</sup> - شامل هم‌اینان نیست؟ آیا اینان مشمول آیه ۸۲ سوره مائده<sup>۷</sup> نیستند که یهودیان را بدترین دشمنان مؤمنان می‌داند؟ آیا اینان جزو آن دسته از یهودیان نیستند که طبق آیه ۱۲۰ سوره بقره<sup>۸</sup>، می‌خواهند مسلمانان را پیرو خود گردانند؟ مگر یهودیان، همگی اندیشه ناحق انکار رسول مکرم اسلام را ندارند؟

آری، همه ما قبول داریم که باید طبق دستور اسلام، با یهودیان غیرمحارب، در مسالمت و نیکی زندگی کنیم؛ ولی این بحث نباید ما را به افراط در نمایش مظلومیت و حقانیت یهودیان و همذات-پنداری با آنان بکشاند. در این‌جا، چند فقره از بندهای نژادپرستانه عهد عتیق و تورات که در این فیلم بارها در دست مادر سارا تطهیر شد، آورده می‌شود:

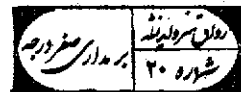
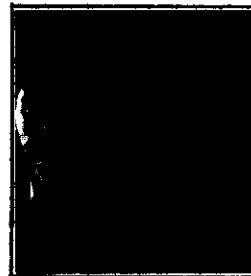
۶. و نجهلهم اغرض الناس فی خیاب  
 ۷. تصونن انشد الناس هدایة للذین امنوا الیهود و  
 الذین امنوا کفوا

پسران گران‌بهای صهیون که روزگاری به زر ناب برابر می‌بودند<sup>۹</sup> گفتیم شما خدایانید و فرزندان خدای بزرگید. برخیز، ای خدا (ای فرزندانم) و بر روی زمین داور کن؛ زیرا تو تمامی امت‌های جهان را متصرف خواهی شد.<sup>۱۰</sup> زیرا تو برای یهود، خدایت، قوم مقدس هستی. یهود، خدایت تو را برگزیده است، تا از جمیع قوم‌هایی که روی زمینند، مخصوص برای خود او باشی.<sup>۱۱</sup> نسل تو، دیگر ملل را تصرف خواهد کرد.<sup>۱۲</sup> فقط به برادرانتان، به بنی‌اسرائیل با خشونت، تحکم و سروری نخواهید کرد.<sup>۱۳</sup> شما منحصرأ به خدانودختانیان تعلق دارید و او شما را از میان قوم‌های روی زمین، برگزیده است تا قوم خاص او باشید.<sup>۱۴</sup> او از میان همه مردم روی زمین، شما را انتخاب کرده است تا برگزیدگان او باشید... نه به دلیل بزرگتر بودن شما از دیگر اقوام، بلکه چون شما را دوست داشت و می‌خواست عهد خود را که با پدران شما بسته بود، به جا آورد.<sup>۱۵</sup>

البته در یکی از نماهای پایانی داستان که مادر و سارا تحت تأثیر تئودور، عموی سارا، تصمیم به رفتن به سرزمین موعود یا همان فلسطین اشغالی می‌گیرند، اشاره‌ای رقیق به تفکر نژادی مادر سارا می‌شود که خطاب به دخترش می‌گوید، در آینده، با یک هم‌نژاد ازدواج خواهی کرد. البته واضح است که این اشاره برای عموم مخاطبان، آشکار نیست. کمترین تصویری که برای مخاطب فیلم به دور از واقعیت‌های موجود می‌شود، این است که دست‌کم، پنجاه‌درصد یهودیان، خوب و مخالف اندیشه تئودور هستند؛ تصویری که با واقعیت جهان تفاوت دارد.

۸. در فیلم‌های غربی مروج دروغ‌های مربوط به جنگ جهانی دوم، شاهدیم که تنها هیتلر را شر مطلق می‌دانند و پس، روشن است که تاریخ را فاتحان می‌نویسند و خود را از اتهامات بری می‌دانند؛ ولی هیتلر بدون کمک خاندان‌های زرسالار یهودی متحد آلمان و شبکه هریمن - بروش و شرکای صهیونیست آن‌ها، نمی‌توانست به چنین قدرتی برسد. برخی از تاریخ‌نگاران و نویسندگان مستقل جهان، تصریح و تأکید کرده‌اند که جنگ جهانی دوم در روز یکم سپتامبر ۱۹۳۹ که آلمان به لهستان حمله کرد، آغاز نشد، بلکه در واقع، این جنگ پیش از این و دست‌کم به طور رسمی، از نیمه‌شب پنج‌شنبه ۳۱ اوت ۱۹۳۹ آغاز گردید که دست‌های مرموز و پنهان، با تحریک لهستانی‌ها، موجب تجاوز به شهر گلیویتز و قتل عام هزاران آلمانی شدند و آلمان را به واکنش واداشتند.<sup>۱۶</sup> هم متحدین (آلمان، ایتالیا و ژاپن) به‌ناحق بودند و هم متفقین (فرانسه، آمریکا، شوروی و انگلیس). اینان، همه در درون تمدن امانیستی غرب به سر قدرت بیشتر به جان هم افتادند و سودای سرمایه‌داری و قدرت بیشتر داشتند و آینده هم ثابت کرد که متفقین در وحشی‌گری، کمتر از متحدین نبودند. این فیلم جنایات هیتلر و حزب ناسیونال‌سوسیالیسم او را خوب به تصویر کشید؛ ولی در رساندن شرارت متفقین، کوتاهی کرد. البته باید انصاف را رعایت کرد و تصویر بدی که از انگلیسی‌ها در فیلم نشان داده شد را قدر دانست. افزون بر این، نکته مثبتی که فیلم نیز اشاره‌ای به آن دارد، سخن دانشجویی است که بعدها، افسر ارتش آلمان شد و در دل خود، هیتلر و سیاست‌هایش را قبول نداشت. او گفت، یکی از دلایل تنفر شدید اروپاییان و به ویژه آلمانی‌ها از یهودیان، رباخواران و بانکداران دنیاطلب یهودی

۹. عهد عتیق، سفر مرقه‌های ارمیا باب ۲، فقره ۲.
۱۰. عهد عتیق، سفر مزمیر، باب ۸۲، فقرات ۴ و ۶.
۱۱. عهد عتیق، سفر تثبیه، باب ۷، فقره ۳.
۱۲. عهد عتیق، سفر لئویا، باب ۲۴، فقره ۳.
۱۳. عهد عتیق، سفر لاهیان، باب ۲۵، فقره ۳۶.
۱۴. عهد عتیق، سفر تثبیه، باب ۱۲، فقره ۲.
۱۵. همان، باب ۷، فقرات ۸ و ۶.
۱۶. مقدمه محصلانکس تئودور بر کتاب کتوهای کاتر در جنگ جهانی دوم، واقعیت‌ها و الحاکمات، نوشته پروفسور رابرت فورسون، مؤسسه فرهنگی - پژوهشی ضد فاشیسم، تهران، ۱۳۸۱، چاپ اول.



بودند که موجب خرابی اقتصاد آلمان شدند.<sup>۱۷</sup>

مناسب بود در سریال، به حضور حدود ۱۵۰۰۰۰ یهودی تا عالی‌ترین مدارج نظامی، در ارتش هیتلر نیز اشاره شود؛ افسرانی چون *فیلد مارشال ارهارد میخ*، جانشین نیروی هوایی آلمان، *فیلد مارشال هرمن گورینگ*، *کننل والتر هالیندر*، *ژنرال ژوهانس زوکر-تورته امیل موریس* - از دوستان نزدیک و جانشین هیتلر و شخص *دوم اس. اس* - و *ورنر گلدبرگ* که در زمان جنگ، عکس او به منزله سربازی شجاع و وفادار به نازیسم، در سطح گسترده‌ای منتشر شد و...<sup>۱۸</sup> ای‌کاش هزینه زیادی که صرف ساخت این سریال گردید، بهتر مصرف می‌شد و با مشاوره با اندیشمندان آگاه، حاصل بهتری در رسوایی صهیونیسم فریب‌کار داشت.



۹. این اثر از کنار موضوع پراهمیت *هولوکاست*، رندانه و مبهم گذر کرد؛ موضوعی که تم یا سوژه اصلی بسیاری از آثار غربی درباره جنگ جهانی دوم می‌باشد. در واقع، صهیونیست‌ها، با طرح کشته شدن شش میلیون یهودی در در اتاق‌های گاز، کوره‌های آدم‌سوزی و تیرباران‌های دسته‌جمعی، به غصب فلسطین در سال‌های آتی نیرد، مشروعیت دادند و چنین مطرح کردند که باید برای قوم مظلوم یهود، موطنی یا حکومتی یهودی ساخت تا دیگر کسی جرأت نکند چنین به نسل‌کشی آنان بپردازد. مظلومیت و آوارگی جهانی یهودیان، برنامه هیتلر برای نسل‌کشی و کشتار برنامه‌ریزی شده یهودیان، رنج‌های شدید قوم یهود و لزوم تشکیل حکومت اسرائیل در سرزمین مقدس؛ مهم‌ترین عناصر تشکیل دهنده افسانه هولوکاست است؛ افسانه‌ای که در آثار اندیشمندانی چون *پروفیسور رابرت فورسوزن*، *دکتر فردریک توپن*، *پروفیسور دیوید ایروینگ*، *ارنست زوندل*، *مارک ویر*، *یل رازینی*، *آرینو مایر*، *احمد رامی*، *مهندس فرد لوختر*، *گرمار رودلف*، *دکتر پروزات*، *دیوید هوگان* و *صدها دانشمند و تاریخ‌نگار تجدیدنظرطلب*<sup>۱۹</sup> دیگر از کشورهای گوناگون، نقد و بررسی شده است. بسیاری از این اندیشمندان، به

۱۷. مقاله واقعیت یهودستیزی، *عزیزها سلفی‌شکری*، در کتاب *پروژه صهیونیسم*، کتاب دوم، به کوشش محمد احمدی، مرکز مطالعات فلسطین، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۱.

۱۸. مقاله *بخت‌انگیز قرن بیستم* (نگاهی به زندگی و زمانه آدولف هیتلر و سیاست‌های آلمان نازی در قبال یهودیان)، *غلامرضا رهنما*، فصلنامه مطالعات تاریخی، ویژه‌نامه *هولوکاست*، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، سال سوم شماره ۱۴، پاییز ۱۳۸۵.

۱۹. برای مطالعه فهرست اندیشمندی که به این نام معروف شده‌اند، مراجعه کنید به: <http://www.zamdesite.org/english/dcbate/victim/index.html>

ویژه رابرت فوریسون، در کتاب ارزشمند *اتاق‌های گاز در جنگ جهانی دوم، واقفیت یا انقراض؟* وجود هر گونه برنامه قبلی هیتلر برای نسل‌کشی و کشتار از پیش برنامه‌ریزی شده یهودیان را با ادله و اسناد مختلف تاریخی، شیمیایی و فیزیکی منکر می‌شوند؛<sup>۱۱</sup> ولی سرپال مدار صفر درجه، هولوکاست را رد نکرد و صهیونیست‌ها را تنها یکی از مقصران یهودکشی آلمان‌ها دانست. در بخش‌های زیادی، آشکارا به کشتار یهودیان به دست هیتلر اشاره داشت. البته سرپال، مسئله هولوکاست شش میلیونی را هم به طور مستقیم، تأیید نکرد.

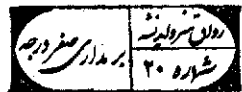
به هر روی، حق این بود که آثار ارزشمند رابرت فوریسون و دیدوید ایروینگ و دیگر منکران هولوکاست نیز مورد توجه قرار می‌گرفت و در شرایطی که رئیس جمهور محترم نیز درباره هولوکاست موضع‌گیری کرده است، فیلم موضع شفاف‌تری می‌داشت تا این توهم برای برخی، در داخل و خارج، پیش نیاید که این فیلم علیه مواضع به حق دولت جمهوری اسلامی است. مناسب بود که این اثر تفاوت دیدگاه خود با آثار صهیونیستی چون فهرست تسینلر، بیانیه‌ست، شب و ماه، زندگی زیباست، قیام شیطان هیتلر و... را به گونه‌ای آشکارتر بیان می‌کرد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

۱۰. اتاق‌های گاز در جنگ جهانی دوم، واقفیت یا انقراض؟ رابرت فوریسون، مؤسسه فرهنگی - پژوهشی شهید کاشانی، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۱.  
۱۱. برای مطالعه بیشتر، نگاه کنید به مقاله هولوکاست: محققان تقریباً، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، تهران، چاپ اول، بهار ۱۳۸۸ و همچنین: جایگاه هولوکاست در پروژه صهیونیسم (اسطوره یا واقعیت)، سید محمد ترنلی، نشر مرکز، اسناد انقلاب اسلامی، تهران، چاپ اول، زمستان ۱۳۸۲ و همچنین: سایت تجدید - محفل‌مطالعات تاریخی.

www.Revisionist.co  
www.IHR.org





پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

www.

پرتال جامع  
علوم انسانی

